

دانش مدیریت

شماره ۶۱-۶۰ - بهار و تابستان ۱۳۸۲

صص ۱۷۷-۱۴۷

ارزیابی ساختار قانونی سازمان دادگستری ج.ا.ا. در [بخش] دادگاه‌های عمومی- حقوقی- جزایی

دکتر محمدوزین کریمیان*

چکیده

اهمیت و حساسیت کار دادگستری، از نظر ایجاد و برقراری عدالت قضائی، به عنوان یک نیاز اساسی و خواسته هر مجموعه انسانی و به عنوان یک پیش شرط توسعه کشور در ابعاد متنوع، منشأ توجه به این سؤال است که آیا ساختار سازمانی دادگستری، در وضعیت موجود آن، ظرفیت پاسخگوئی به نیاز و خواسته اساسی گفته شده را، در شرایط فعلی جامعه ما دارد؟ این سؤال اساسی، به منظور محدود کردن موضوع، و در عین حال، با توجه به صلاحیت دادگاه‌های عمومی (حقوقی - جزائی)، و نظر به اهمیت ارتباط (همکاری - هماهنگی) همه واحدهای سازمانی قوه قضائیه در تحقق عدالت قضائی، به ارتباط این دادگاه‌ها با سایر واحدهای یاد شده، محدود گشته است. در این تحقیق، «دادگستری» به عنوان یک سیستم، در سیستم فراگیر خود («قوه قضائیه»)، و شامل سیستم‌های فرعی آن، در نظر گرفته شده و تعامل آن با محیط، با دیدی کاربردی، مدنظر بوده است. بر این اساس، اطلاعات راجع به چارچوب قانونی ساختار سازمانی کل قوه قضائیه و «دادگستری»، گردآوری و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. در نهایت، با بازیابی و تنظیم نهائی نتیجه‌ها، مدل مناسب، مورد تشخیص و پیشنهاد قرار گرفته و مقتضیات تحقق مدل مناسب نیز بررسی شده است.

واژه‌های کلیدی: ساختار سازمانی، ساختار قانونی سازمان، ساختار قانونی ارتباط، دادگستری، عدالت قضائی

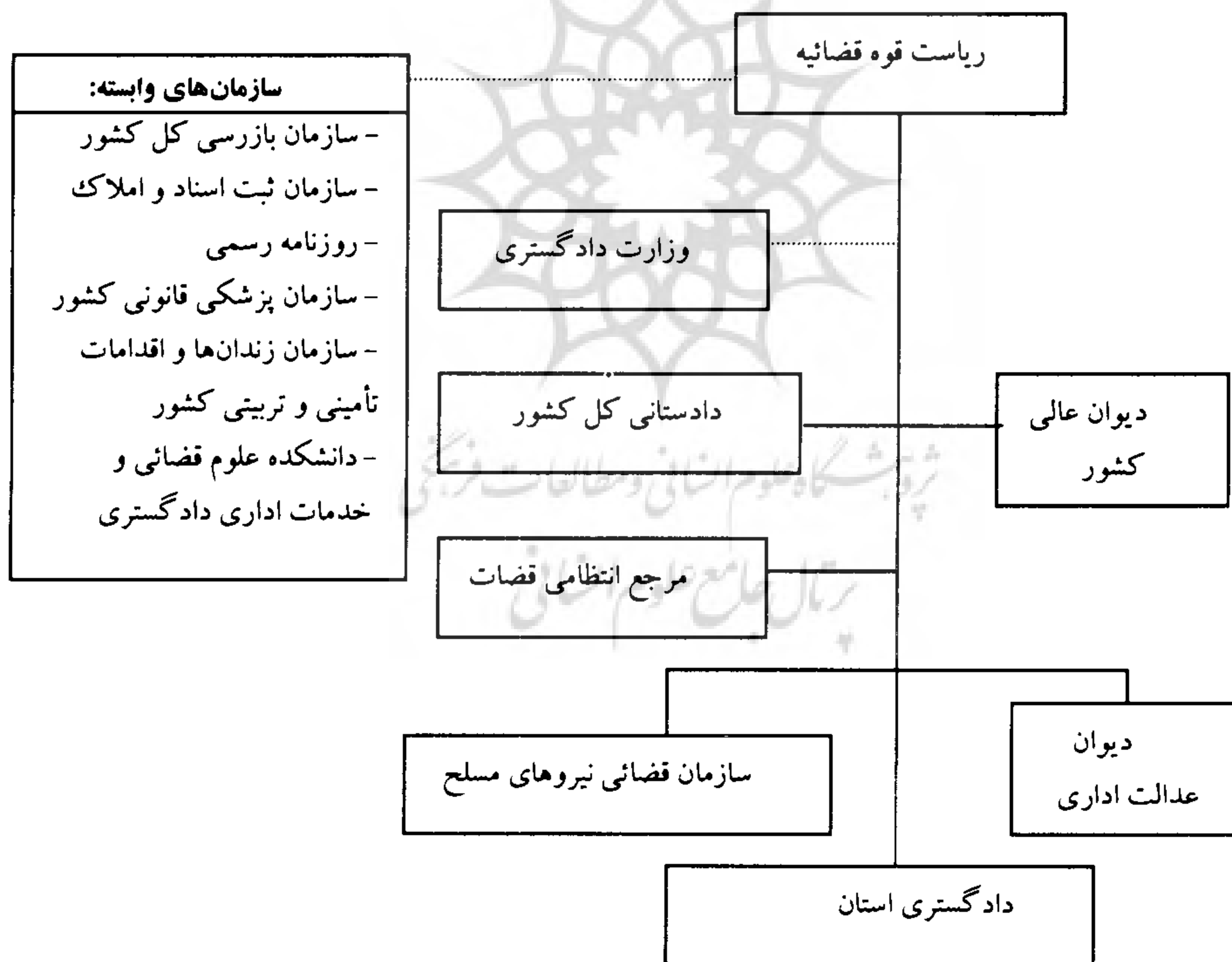
*. استادیار دانشگاه شاهد

نشانه‌های کوتاه:

ج.ا.ا.: جمهوری اسلامی ایران
د.ع.: دادگاه عمومی
ق.ا.ج.ا.ا.: قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
ق.ت.د.ع.وا.: قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب
ق.آ.د.د.ع.وا. (ا.م.): قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور مدنی)
ق.آ.د.د.ع.وا. (ا.ک.): قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور کیفری)
- سال‌ها به هجری شمسی است.

مقدمه

دادگستری، به عنوان یک سازمان عمومی، که بخشی از اعمال حاکمیت نظام حاکم (دولت، به معنای وسیع کلمه) را بر عهده دارد، بر مبنای به موجب و مطابق قانون اساسی و کلیات قوانین تشکیل دهنده نظام قضائی کشور و قانون‌های ترسیم کننده سازمان دادگستری تشکیل گردیده است. ق.ت.د.ع.وا. - با اصلاحات، ق.آ.د.د.ع.وا. (ا.م.) و ق.آ.د.د.ع.وا. (ا.ک.) از جمله این قانون‌ها می‌باشند. این بخش بنیانی از سازمان دادگستری، در این مقاله پژوهشی، چارچوب قانونی ساختار سازمانی دادگستری نام گرفته است. بعد اداری این ساختار در سطح کلی آن در نمودار شماره (۱) قابل تصور است:



نمودار ۱. بعد اداری ساختار کل قوه قضائیه

سؤال اصلی این تحقیق این است که آیا ساختار قانونی سازمان دادگستری جمهوری اسلامی ایران، دارای چنان کیفیتی هست که قادر باشد مبنا و چارچوب طراحی تفصیلی سازمانی باشد که قادر باشد عدالت قضائی را در جامعه جاری سازد؟ باید توجه داشت که عدالت قضائی یک نیاز اساسی و خواسته هر مجموعه انسانی و یک پیش شرط توسعه کشور در ابعاد متنوع است. برای پاسخگویی به این سؤال، با تبیین نگرش نظری و تناسب آن با پژوهش حاضر، ساختار قانونی سازمان دادگستری بررسی و ارزیابی می‌گردد. نتیجه‌گیری و پیشنهاد، پایان بخش مقاله حاضر خواهد بود. واضح است که ارزیابی علمی قانون از احترام به آن، و ضرورت اجرای آن، نمی‌کاهد؛ بلکه ممکن است منجر به پیشنهادهایی برای اصلاح یا تکمیل قانونی آن گردد.

ادبیات تحقیق

موضوع مقاله حاضر، سازمان دادگستری کشور در دو حوزه حقوقی و مدیریتی می‌گنجد، در حوزه اول رشته‌های علمی حقوق اساسی، مباحث اصول و نظریه‌های ساختار سازمانی قوه قضائیه، و آئین دادرسی، مباحث دادگستری و واحدها و آئین کار آن، مطرح می‌باشد. از سوی دیگر، سازمان‌دهی و اداره امور دادگستری نیز در حوزه شمول علوم سازمان و مدیریت قرار می‌گیرد. این تحقیق علمی نیازمند پی‌گیری تعامل نظام‌مند میان این دو رشته علمی است.

هر چند تحقیقاتی راجع به بعضی ابعاد دادگاه‌های عمومی و نیز پژوهش‌هایی راجع به ساختار سازمانی به عمل آمده است، ولی در بررسی‌ای که به عمل آمد، پژوهشی علمی که به صورت کاربردی، مستقیماً و به‌طور جامع ساختار سازمانی مورد نظر را هدف قرار داده باشد، و در عین حال مبین وضعیت کنونی نیز باشد، مشاهده نگردید. با این وجود، مقاله‌ها، گزارش‌ها و مجموعه‌هایی مدون وجود دارند که در محدوده موضوعی پژوهش حاضر مدنظر بوده‌اند.^۱ خوشبختانه علوم مبنای این پژوهش یعنی حقوق اساسی آئین دادرسی و

۱- از آن جمله‌اند: - [مجموعه] تشکیلات اداری دادگستری استان تهران...، [قوه قضائیه]، معاونت طرح‌ها و برنامه‌ها [سابق]، دفتر تشکیلات...

- [مجموعه] [تشکیلات قضائی] دادگستری تهران...، [قوه قضائیه]، معاونت طرح‌ها و برنامه‌ها [سابق]، دفتر تشکیلات...

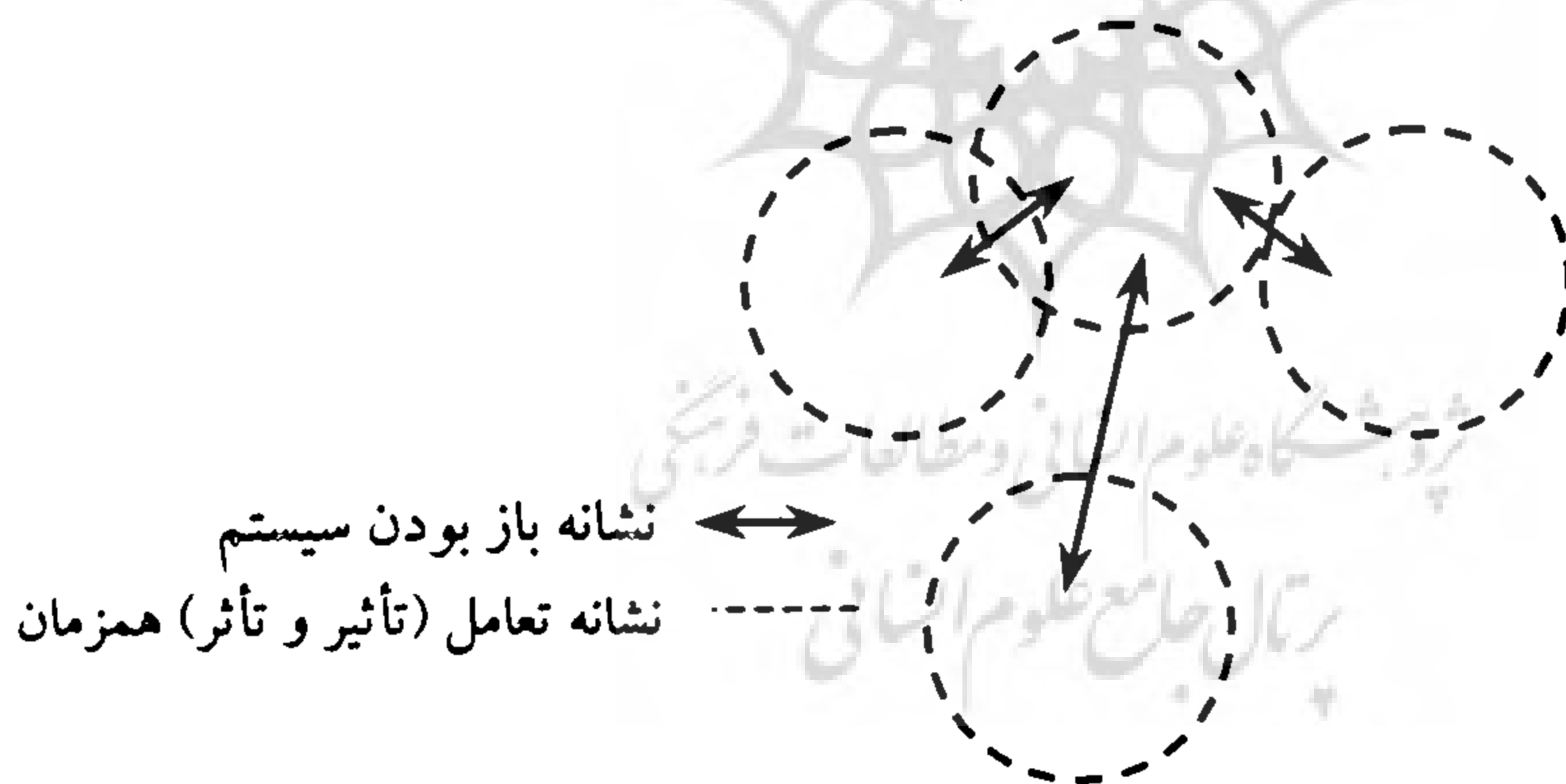
- «کارنامه بیست ساله قوه قضائیه»، تدوین و تنظیم جواد خادم، معاون [وقت] طرح‌ها و برنامه‌های وزارت دادگستری و مجری طرح‌های عمرانی

- «رتبه‌بندی محاکم و عملکرد اجرای احکام» اردیبهشت ۸۱، در «قضات»، ماهنامه دادگستری استان تهران؛ سال اول، شماره ۵، خرداد ۸۱؛ ص ۳۸-۳۵

سازمان و مدیریت علمی توسعه یافته‌اند. در بیان دیدگاه‌های متنوع در این علوم نگرش این پژوهش "دیدگاه نظام گرا" در منابع علمی، برگزیده شده است. در این مقاله مرور ادبیات به سیستم و دیدگاه سیستمی، "نگرش نظام گرا" بسنده می‌کند.

در این جا، ابتدا، برای تبیین نگرش نظام گرا، مروری بر مفاهیم مربوط به آن به عمل خواهد آمد.

سیستم مجموعه‌ای هدفمند از اجزاء با ارتباط تعاملی است. هر یک از این جزءها نیز یک سیستم (سیستم فرعی^۱)، و سیستم مورد نظر نیز جزئی از سیستم فراگیر^۲ خود است. هر سیستم با تعدادی از سیستم‌های دیگر در تعامل مستقیم است. با دید کاربردی، تعامل‌هایی مورد توجه خواهد بود که هدف بررسی سیستم و رهبری و اداره آن مقتضی مدنظر داشتن آن‌ها است. بنابراین، می‌توان محیط سیستم را، به صورت کاربردی، این گونه تعریف نمود: مجموعه سیستم‌هایی که با سیستم مورد نظر در تعامل قابل توجه می‌باشند.

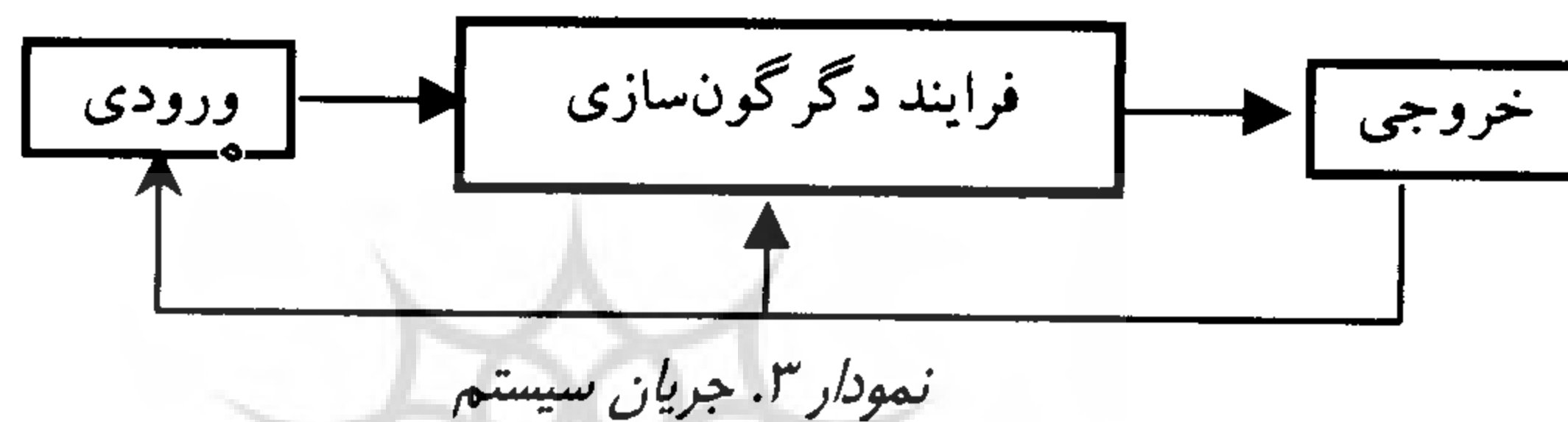


نمودار ۲. تعامل سیستم باز

اگر سیستم با محیط خود تعامل کافی داشته باشد، آن را سیستم باز^۳ گویند؛ در غیر این صورت سیستم را بسته^۴ نامند. سیستمی که با محیط خود تعامل بایسته را نداشته باشد، رو به نابودی می‌رود.

1. Subsystem
2. Suprasystem
3. Open System
4. Closed System

سیستم با محیط بده - بستان دارد. آنچه سیستم از محیط وارد می کند، ورودی سیستم^۱ و آنچه از سیستم به محیط داده می شود، خروجی سیستم^۲ نامیده می شود و سیستم ورودی های خود را در فرایند دگرگون سازی^۳ قرار می دهد. تعدادی از خروجی های سیستم (ماده و یا انرژی به خدمت، اطلاعات و یا کالای تولیدی سیستم و یا انسان های تعلیم دیده و تربیت شده و) به سیستم برمی گردند؛ علاوه بر آن، سیستم، راجع به تأثیر خروجی خود بر محیط و اقتضائات محیطی، مستمراً اطلاعات کسب می کند (بازخور^۴).



سیستم باز، علاوه بر ورودی، فرایند دگرگون سازی، و خروجی، دارای مشخصاتی است (استیفن پی رابینز^۵، ۱۹۹۰: ۱۹-۱۵)

۱. آگاهی نسبت به محیط^۶
۲. بازخور
۳. خصوصیت چرخه ای (سیرت تناوبی^۷): خروجی های سیستم، ورودی های جدید را تمهید می نمایند، و سیستم با ورودی های جدید، قادر به تجدید چرخه خواهد بود.
۴. انتروپی منفی^۸: واژه انتروپی به تمایل طبیعی یک سیستم به انحلال اشاره دارد. یک سیستم بسته، چون از محیط خود انرژی یا ورودی های جدید وارد نمی کند، به مرور زمان از کار خواهد افتاد. به عکس، یک سیستم باز دارای وجه تمایز

-
1. Input
 2. Output
 3. Transformation
 4. Feedback
 7. Robbins, S.
 6. Environment Awareness
 7. Cyclical Character
 8. Negative Entropy

انتروپی منفی است - می تواند خود را تعمیر و بازسازی کند، از ساختار خود محافظت نماید، از نابودی اجتناب ورزد، و حتی رشد کند؛ زیرا قادر است بیش از انرژی صادره، انرژی وارد کند.

۵. حالت ثبات (استواری)^۱.

۶. جهش به طرف رشد و گسترش^۲.

۷. تعادل بین فعالیتهای حافظ وضع موجود و فعالیتهای تطبیقی^۳.

۸. هم پایانی^۴: یک سیستم می تواند از نقاط آغازین مغایر و از مسیرهای متنوع به همان حالت پایانی مورد نظر برسد.

طبقه بندی کنت ای بولدینگ^۵ از سیستم ها (کنت ای بولدینگ، ۱۹۵۶: ۲۰۵-۲۰۲)، بیانگر آن است که پیچیدگی ساختاری و کارکردی «سازمان»، به عنوان یک سیستم اجتماعی، در بالاترین سطح سیستم های عالم ادراک قرار دارد. بر این مبنا، نه تنها دیدگاه مکانیکی، یعنی تصور سازمان به عنوان ماشین، بلکه دیدگاه ارگانیکی، یعنی تصور سازمان به عنوان موجود زنده نیز نمی تواند در شناخت قواعد رفتاری آن کافی باشد. هم چنین نگرش سازمان به عنوان یک سیستم باز، هر چند برای شناخت و طراحی آن لازم است، ولی کافی نیست.

سازمان، به عنوان یک سیستم، دارای سیستم های فرعی است که در تجزیه نهائی؛ در سطوح پائین تر طبقه بندی سیستم ها قرار دارند. با این وجود، سازمان، به عنوان یک «کل»، متمایز از «اجزاء» خود، و حتی متمایز از جمع اجزاء خود است.

به این ترتیب، آشکار است که صرف جمع بودن سیستم های فرعی بالقوه سازمان، نظیر افراد، ساختمان، تجهیزات - ولو این سیستم های فرعی، در بالاترین سطوح کیفی قرار داشته باشند - به معنای قوام و دوام، حتی به معنای وجود سازمان نیست.

نگرش سیستمی، در جستجوی شناخت و طراحی آن خصوصیات ساختاری و رفتاری است که تأمین کننده تعامل هدفمند این سیستم های فرعی، در جهت تحقق اهداف سازمان، باشد. این تعامل باعث هم نیروافزائی^۶ این عوامل نسبت به هم خواهد شد.

1. Steady State

2. Movement Toward Growth and Expansion

3. Balance of Maintenance and Adaptive Activities

4. Equifinality

5. Boulding, K.

6. Synergy

در این نگرش، هر چند تجزیه و تحلیل، در تعامل با هم، به کار گرفته می‌شوند، با این وجود، کانون اصلی تفکر و روش‌شناسی، تحلیل است. باید توجه داشت که حیات هر کل (سیستم) به ترکیب اجزاء آن بستگی دارد؛ بنابراین، شناخت فرایند ترکیب (تحلیل) اصالت می‌یابد.

سازماندهی، باید در جهت تحقق اهداف سیستم صورت پذیرد. اهداف سیستم را می‌توان مأموریتی تلقی کرد که سیستم فراگیر برای آن تعیین و تعریف می‌کند. ورودی‌های سیستم، که از خروجی‌های سیستم‌های دیگر سیستم فراگیر تأمین می‌شوند، در واقع، عوض مبادله میان سیستم‌ها، و به تعبیر دیگر، مزد انجام مأموریت گفته شده است. از بُعد نظری، نگرش سیستمی، توان گنجاندن نظریه‌های سنتی و سنتی نوین را در خود، و ایجاد تعادل بین آن‌ها را دارد. از جهت کاربردی نیز، طراحی و اداره سازمان، مستلزم نگرش نظام‌گرا است. در این نگرش، طراحی سازمان، به عنوان سیستم، یا توسعه آن، بر مبنای توجه به همه ابعاد آن، به ویژه، تعامل آن با سیستم‌های دیگر صورت می‌پذیرد. با این روش، مثلاً، توسعه نظام قضائی، از جمله، مستلزم توسعه نظام آموزشی، به ویژه در آموزش حقوق و قضا است.

در این نگرش، کاوش «مرز سیستم» که امری است اعتباری و به هدف پژوهش و دیدگاه و سطح تجزیه و تحلیل بستگی دارد، بسیار آموزنده است. اگر «قانون»، نه کلمات بی‌جان نوشته شده، بلکه استنباط مجریان و مشمولان آن، یا، دست‌کم، استنباط مشترک، دانسته شود، آن‌گاه مرز نظام وضع قانون، شامل مجریان و مشمولان هم دانسته می‌شود؛ و در این صورت، قانون هویتی زنده و پویا می‌یابد (مکتب مترقی تفسیری). به همین گونه، درک متعارف و متوسط جامعه از عملکرد دستگاه قضائی و کیفیت آراء قضائی، جزء نظام قضائی دانسته می‌شود و در طراحی نظام قضائی و توسعه آن از نظر دور نمی‌ماند.

نتیجه: نگرش نظام‌گرا می‌تواند مبنایی مناسب برای ارزیابی وضع موجود ساختار سازمانی دادگستری باشد. جامعیت و مانعیت کاربردی قابل طراحی در این نگرش می‌تواند مبنای اطمینان از سنجش آن چه باید سنجیده شود، و به کارگیری سطح مناسب تجزیه و تحلیل، و هم‌چنین پرهیز از سنجش هر چیزی باشد که نیاز کاربردی به ارزیابی آن وجود ندارد.

همین نگرش، می‌تواند مبنایی مناسب برای طراحی مدل جامع ساختار سازمانی دادگستری فراهم نماید؛ مدلی که مبتنی بر نگرش نظری است، با مزایای برشمرده شده؛ و امکان تنظیم

اثر بخش سطح تجزیه و تحلیل و طراحی نیز در آن فراهم است؛ کما این که، در پژوهش حاضر، طراحی مدل سازمانی تا سطح ارکان آن مورد نظر است. نگرش نظری پژوهش حاضر، نگرش نظام گرا؛ و چارچوب (مدل) نظری آن «سیستم»^۱ است. بنابراین، «داد گستری» به عنوان یک «سیستم» در سیستم فراگیر خود («قوة قضائیه») و شامل بر سیستم‌های فرعی خود در نظر گرفته خواهد شد. همچنین تعامل آن با محیط، با دید کاربردی، مدنظر خواهد بود.

پرسش اساسی تحقیق

آیا ساختار سازمانی قانونی داد گستری جمهوری اسلامی ایران توان جاری ساختن عدالت قضائی را دارد؟ این سؤال با دیدگاه تئوریک پژوهش حاضر - دیدگاه نظام گرا^۲ - به این صورت در آمده است که، آیا ساختار سازمانی داد گستری جمهوری اسلامی ایران خصوصیات یک «سیستم باز» را در خود منعکس ساخته است؟

روش تحقیق

مقاله حاضر با تحلیل ساختار سازمانی قانونی داد گستری جمهوری اسلامی ایران، آن را نقد و و ارزیابی کرده و راه‌هایی را در چارچوب یک مدل علمی برای رفع نقائص و حل مسائل ساختاری داد گستری ارائه می‌دهد.

مدل یاد شده «سیستم» است که ابزار تحلیل ساختار یاد شده در این پژوهش می‌باشد و در بخش ادبیات تحقیق مورد تبیین قرار گرفت.

مورد پژوهش (داد گستری جمهوری اسلامی ایران)، در این کاوش، از جهت‌های سازمانی، زمانی، و مکانی به این ترتیب محدود گشته است:

- از جهت سازمانی: تعریفی است که پیش از این آمده است.

- از جهت زمانی: زمان حال.

- از جهت مکانی: داد گستری جمهوری اسلامی ایران که در سراسر کشور، دارای

مبناهای قانونی مشترک است.

1. System

2. System Approach

یافته‌ها

اعمال قوه قضائیه به وسیله دادگاه‌های دادگستری است؛ (از اصل شصت و یک ق.ا.ج.ا.ا.)؛ و تشکیل دادگاه‌ها و تعیین صلاحیت آن‌ها منوط به حکم قانون است (از اصل یکصد و پنجاه و نهم ق.ا.ج.ا.ا.).

تشکیل دادگاه‌های عمومی (حقوقی - جزائی)، مبتنی بر قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب، مصوب ۱۳۷۳/۴/۱۵ مجلس شورای اسلامی و قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب، مصوب ۱۳۸۱/۷/۲۸ مجلس شورای اسلامی است. بنابراین، چارچوب کلی ساختار سازمانی قانونی آن‌ها را باید در این قانون‌ها جستجو کرد. قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (کتاب دوم - در امور کیفری) که طبق اصل ۸۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، برای مدت سه سال اجرای آزمایشی، در تاریخ ۲۸/۶/۱۳۷۸ به تصویب کمیسیون امور قضائی و حقوقی مجلس شورای اسلامی رسیده و به موجب قانون تمدید مهلت اجرای آزمایشی قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور کیفری)، مصوب ۱۳۸۲/۷/۲۳ مجلس شورای اسلامی، و از تاریخ تصویب این قانون، مهلت اجرای آزمایشی آن برای مدت دو سال دیگر تمدید شده است، و قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (کتاب اول - در امور مدنی)، که در ۲۱/۱/۱۳۷۹ به تصویب رسیده است، را نیز می‌توان مکمل ساختار سازمانی قانونی دادگاه‌های عمومی دانست؛ ضمن آن که قانون اخیرالذکر، بعضی مقررات قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب را نسخ صریح شخصی نموده است؛ که بعضی مقررات منسوخ، تعیین کننده تشکیلات دادگستری نیز بوده‌اند.

منظور از تشکیل «دادگاه‌هایی با صلاحیت عام»، «رسیدگی و حل و فصل کلیه دعاوی و مراجعه مستقیم به قاضی و ایجاد مرجع قضائی واحد» مقرر و اعلام شده است (ماده ۱ ق.ت.د.ع.وا. - ۱۳۷۳).

هر حوزه قضائی که دارای بیش از یک شعبه دادگاه عمومی باشد شعب آن به حقوقی و جزایی تقسیم می‌شوند... در صورت ضرورت ممکن است به شعبه جزایی پرونده حقوقی و یا به شعبه حقوقی پرونده جزایی ارجاع شود. (ماده ۴ ق.ت.د.ع.وا. - اصلاحی ۱۳۸۱).

۲. اصل ۸۵ ق.ا.ج.ا.ا.: سمت نمایندگی قائم به شخص است و قابل واگذاری به دیگری نیست، مجلس نمی‌تواند اختیار قانونگذاری را به شخص یا هیأتی واگذار کند ولی در موارد ضروری می‌تواند اختیار وضع بعضی از قوانین را با رعایت اصل هفتاد و دوم به کمیسیون‌های داخلی خود تفویض کند، در این صورت این قوانین در مدتی که مجلس تعیین می‌نماید به صورت آزمایشی اجراء می‌شود....

در حوزه قضایی هر شهرستان یک دادسرا نیز در معیت دادگاه‌های آن حوزه تشکیل می‌گردد... (ماده ۳ ق.ت.د.ع.و.ا. - اصلاحی ۱۳۸۱).

به موجب تعریف مقرر در قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب - ۱۳۷۳، حوزه قضایی عبارتست از قلمرو یک بخش یا شهرستان و یا نقاط معینی از شهرهای بزرگ (تبصره ۱ ماده ۳ ق.ت.د.ع.و.ا. - ۱۳۷۳).

رئیس دادگستری، نوعاً و بر حسب قاعده، در نقش قضاوت، ساختارگرا، و در نقش مدیریت، به اقتضای اهداف و مقتضیات سازمانی و مدیریتی، کم و بیش نتیجه‌گرا است. این وضعیت، تا حدی، نشانگر تعارض نقش می‌باشد. ایفای نقش‌های متعارض، مستلزم بینش، دانش، مهارت‌ها و توانش خاص خود است. احصاء دقیق همه وظایفی که قوانین و آئین‌نامه‌ها برای او تعیین کرده‌اند و زمان‌سنجی انجام همه این وظایف می‌تواند بسیار روشنگر باشد.

نظارت اداری - نظارت فنی: نظارت اداری، در کل دادگستری، اعم از بخش قضایی، و بخش اداری، همان است که در مورد سازمان‌های اداری نیز، در نمودارهای ساده سلسه مراتب قابل تصویر و تصور است؛ اما نظارت فنی در دو بخش اداری، و قضایی، با دو روش متمایز قابل اعمال است. در بخش اداری، نظارت فنی، نظیر سایر سازمان‌های اداری است؛ اما در بخش قضایی، این نظارت، مطابق قانون اساسی و قانون‌های آئین دادرسی و سایر قانون‌های مربوط، نظیر قانون اجرای احکام مدنی - ۱۳۵۶، و با رعایت اصل استقلال قضایی، صورت می‌پذیرد.

دیوان عالی کشور، به منظور نظارت بر اجرای صحیح قوانین در محاکم و ایجاد «وحدت رویه قضایی» و... تشکیل گردیده است (به موجب اصل یکصد و شصت و یکم ق.ا.ج.ا.).

به منظور تجدیدنظر در آراء دادگاه‌های عمومی و انقلاب در مرکز هر استان، دادگاه تجدیدنظر، به تعداد مورد نیاز، مرکب از یک نفر رئیس و دو عضو مستشار تشکیل می‌شود... (ماده ۲ ق.ت.د.ع.و.ا. - ۱۳۷۳).

هیأت منصفه: رسیدگی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی علنی است و با حضور هیأت منصفه در محاکم دادگستری صورت می‌گیرد. نحوه انتخاب، شرایط، اختیارات هیأت منصفه و تعریف جرم سیاسی را قانون براساس موازین اسلامی معین می‌کند (اصل یکصد و شصت و هشتم ق.ا.ج.ا.).

بحث (تجزیه و تحلیل)

اطلاعات مربوط به ساختار قانونی سازمان مورد پژوهش در بالا ارائه گردیده‌اند و به طور طبیعی و به اقتضای بررسی ابعاد متنوع ساختاری سازمان مورد پژوهش، تا حدی مورد تجزیه واقع گشته‌اند. اینک، با تکمیل فرایند تجزیه، و در تعامل با آن، با تحلیل اطلاعات به دست آمده، ساختار سازمانی مورد پژوهش مورد سنجش واقع می‌گردد.

در این جا، تلاش بر این است که با تجزیه و تحلیل اطلاعات به دست آمده، به این سؤال اساسی پاسخ داده شود که: آیا ساختار سازمانی مورد پژوهش، به گونه‌ای هست که دادگستری جمهوری اسلامی ایران، در بخش دادگاه‌های عمومی (حقوقی - جزائی) بتواند به عنوان یک سیستم پویا و بهره‌ور^۱ عمل کند؟

برای پاسخگویی به این سؤال اساسی، «دادگستری» به عنوان یک «سیستم» در سیستم فراگیر خود («قوه قضائیه») و شامل سیستم‌های فرعی خود در نظر گرفته خواهد شد.

۱- سنجش نقش و جایگاه سیستم‌های فرعی: سیستم مجموعه‌ای هدفمند از اجزاء با ارتباط تعاملی است. اولین سؤالی که مطرح می‌گردد، این است که: آیا در ساختار سازمانی دادگستری واحدهای (اجزاء) مناسب برای تحقق هدف دادگستری پیش‌بینی و مقرر شده است؟ سؤال دوم این است که: آیا بین واحدهای مقرر شده، ساختار بایسته و مناسب، با ارتباط تعاملی، پیش‌بینی و مقرر گشته است یا خیر؟

۱-۱- سنجش واحدها: هر حوزه قضائی به تعداد لازم شعبه دادگاه، دادرس علی‌البدل، دفتر دادگاه، واحد ابلاغ و اجراء احکام و در صورت لزوم، یک واحد ارشاد و معاضدت قضائی خواهد داشت و در صورت تعدد شعب دارای یک دفتر کل نیز خواهد بود (ماده ۱۰ ق.ت.د.ع.و.ا.-اصلاحی ۱۳۸۱). این تشکیلات، حتی بر فرض اصلاح (نه تحول اساسی) و در خوش‌بینانه‌ترین حالت خود، تنها قادر به اجرای عدالت قضائی در موردهایی است که نزد آن مطرح می‌گردد. محقق، واژه [عدالت نشسته] یا [عدالت راکد] را برای این گونه اجرای عدالت، گویا می‌داند و واژه [عدالت نافذ] یا [عدالت رسوخ‌کننده] را در مقابل آن قرار می‌دهد. [مدیریت] حوزه قضائی نیز بر عهده رئیس حوزه قضائی است.

نقص اساسی دیگر تشکیلات فعلی حوزه قضائی، نبود سیستم سنجش علمی و جامع ابعاد تأثیر آراء قضائی بر اعضاء پرونده قضائی و در جامعه است. به عنوان مثال، قاضی‌ای

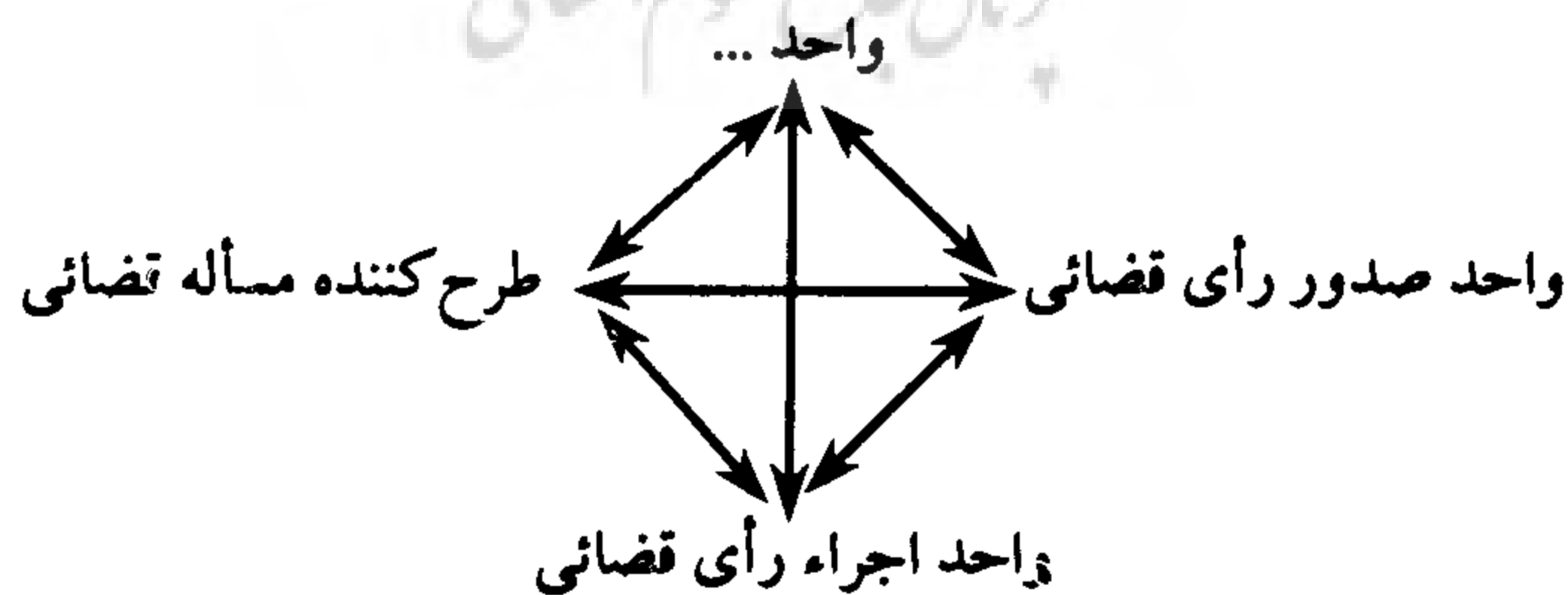
۱. مراد از بهره‌وری، مجموعه‌ای از کارآیی efficiency و اثربخشی effectiveness است.

که از وضعیت و شرایط واقعی و روز زندان اطلاع نداشته باشد، در صدور حکم زندان، آن‌چنان که باید آگاهانه فکر نکرده است.

۱-۲- سنجش ساختار تعامل واحدها: نگرش سیستمی مستلزم این است که بین واحدهای سازمان تعامل برقرار باشد.

این دیدگاه مستلزم آن است که، به عنوان مثال، بین شعبه دادگاه، به عنوان صادرکننده احکام، و واحدی که احکام را اجراء می‌کند، تأثیر متقابل مقرر شده باشد. در این که احکام صادره باید اجراء گردد، تردیدی نیست؛ ولی دادگاه باید، به طرز نظام‌مند و با استقرار مجموعه‌ای از روش‌های مناسب، از زمان و چگونگی اجراء اطلاع مستمر داشته باشد. تحمیل شرایطی بیش از شرایط مورد نظر قانونگذار و شرایط قانونی زندان به زندانی، ظلم به اوست. اگر زندانی در معرض خطرات و تهدیدات تربیتی قرار گیرد، به او ظلم شده است. در سیستم باز، سیستم فرعی صادرکننده حکم، به طور مستمر از چگونگی و نتایج اجراء حکم مطلع می‌گردد و پویایی خود را حفظ می‌کند. سیستمی که فاقد چنین تعاملی باشد، بسته است و دچار هرج و مرج می‌گردد.

این تعامل محدود به واحدهای صدور و اجراء حکم نمی‌گردد. به عنوان مثال، باید بین طرح‌کنندگان پرونده، اعم از عمومی یا خصوصی، و واحدهای گفته شده نیز تعامل بایسته مقرر گردد. این ضرورت در مورد واحد عمومی طرح‌کننده پرونده، نظیر دادسرا، آشکارتر است.



نمودار ۴. تعامل واحدها، در سیر مسأله قضائی

با تجزیه و تحلیل وظایف و روابط مقرر واحدهای پیش‌بینی شده در دادگستری، چنین به نظر می‌رسد که عمده روابط مقرر بین واحدها، برای رسیدگی به دادخواست‌ها و شکایت‌های مطرح شده و اجراء آراء است؛ و تشکیلات یاد شده فاقد مجموعه تعامل‌های تضمین‌کننده باز بودن سیستم و پویایی و بهره‌وری دادگستری است.

۲- سنجش نقش و جایگاه، در سیستم فراگیر: آیا تعامل بایسته بین سیستم مورد پژوهش با سیستم فراگیر خود مقرر شده است یا خیر؟ و آیا با سایر سیستم‌های سیستم فرعی، تحقق اهداف سیستم اصلی را پی می‌گیرد یا خیر؟

سؤال اساسی بالا، به سؤال‌های زیر تبدیل می‌گردد: آیا اهداف سیستم اصلی (قوه قضائیه)، در اهداف رسمی سیستم مورد پژوهش (ساختار سازمانی دادگستری، در بخش دادگاه‌های عمومی) منعکس شده است یا خیر؟ و آیا بین ساختار سازمانی مورد پژوهش و سایر سیستم‌های قوه قضائیه، تعامل بایسته - تعامل در جهت تحقق اهداف خود و اهداف قوه قضائیه - مقرر شده است یا خیر؟

۱-۲- سنجش نقش و جایگاه ساختار مورد پژوهش، در تحقق اهداف قوه قضائیه: به موجب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (اصل یکصد و پنجاه و ششم)، قوه قضائیه قوه‌ای است مستقل، که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسؤل تحقق بخشیدن به عدالت و عهده‌دار وظایف زیر است:

۱. رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات و اخذ تصمیم و اقدام لازم در آن قسمت از امور حسیه که قانون معین می‌کند

۲. احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع

۳. نظارت بر حسن اجرای قوانین کشف جرم و تعقیب و مجازات و تعزیر

مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدون جزائی اسلام

۴. اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین

در قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب، کتاب اول - در امور مدنی (مصوب ۱۳۷۹/۱/۲۱) و کتاب دوم - در امور کیفری (مصوب ۱۳۷۸/۶/۲۸ برای مدت سه سال اجرای آزمایشی؛ که در تاریخ ۱۳۸۲/۷/۲۳، مهلت اجرای آزمایشی آن برای مدت دو سال دیگر، از همین تاریخ، تمدید شده است.)، عنوان هیچ فصلی اهداف دادگستری نمی‌باشد.

واضح است که بخشی از «وظایف» قوه قضائیه را باید سازمان‌های دیگر این قوه، نظیر «سازمان بازرسی کل کشور» انجام دهند؛ با این وجود، [اهداف] این قوه، یعنی «تحقق بخشیدن به عدالت» و «پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی» بودن، باید به طور جامع و کامل در اهداف همه ارکان آن، به ویژه در اهداف دادگستری جمهوری اسلامی ایران انعکاس

داشته باشد؛ با این وجود، به نظر می‌رسد که در ساختار مصوب دادگستری چنین نشده است. محقق واژه گسیختگی اهداف را برای تبیین این وضعیت مناسب می‌داند و آن را در مقابل انسجام و سلسله مراتب اهداف قرار می‌دهد.

□ تأثیر رفتاری این نقص ساختاری، ممکن است به صورت گسترش تمایل رفتاری رفع تکلیف و آمارگرایی جلوه‌گر شود و به تضعیف نتیجه‌گرایی بینجامد. در چنین وضعیتی، مهارت‌های دیوان‌سالاران گسترش می‌یابد و منجر به تضعیف نتیجه‌گرایی می‌گردد. با نگاهی دیگر، دیوان‌سالاران به نیرویی مقاوم در برابر رهبری سازمان، که باید به اقتضای نقش خود نتیجه‌گرا باشد، تبدیل می‌گردند.

۲-۲- سنجش نقش و جایگاه سایر واحدهای سازمانی قوه قضائیه، در تحقق اهداف ساختار مورد پژوهش: منظور از واحد سازمانی در این عنوان، اعم است از سازمان‌های وابسته یا واحدهای سازمانی تابعه.

• در این میان، [نقش اول] برای تحقق اهداف کلی قوه قضائیه، از جمله «دادگستری»، با «رئیس قوه قضائیه» است. چنان که در زیر عنوان یاد شده آمده است، به موجب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، از جمله وظایف ایشان «ایجاد تشکیلات لازم در دادگستری» و «استخدام قضات عادل و شایسته» می‌باشد (اصل یکصد و پنجاه و هشتم ق.ا.ج.ا.). در این مورد باید توجه داشت که به موجب اصل دیگر قانون اساسی «رئیس جمهور مسئولیت امور برنامه و بودجه و امور اداری و استخدامی کشور را مستقیماً برعهده دارد و می‌تواند اداره آن‌ها را به عهده دیگری بگذارد» (اصل یکصد و بیست و ششم ق.ا.ج.ا.). با بررسی مجموعه قوانین راجع به این دو اصل، بین اختیار این دو مقام، تا حدودی تعارض به نظر می‌رسد. به علاوه، «امور برنامه و بودجه» و «امور اداری و استخدامی» کشور با وجود قانون برنامه و بودجه کشور و قانون استخدام کشوری، و قوانین مرتبط دیگر نظام قانونی خود را تجربه کرده است - هر چند نیاز به اصلاحات اساسی دارد - و تصمیم‌گیری از حالت انفرادی خارج است.

نتیجه بحث، این که، تحقق نظام‌مند اختیارات گفته شده رئیس قوه قضائیه نیز نیازمند نظام جامع سازماندهی و استخدام (به عنوان نظام فرعی، از کل نظام قوه قضائیه، و در عین حال، یک نظام فرعی از کل نظام سازماندهی و استخدام جمهوری اسلامی ایران) می‌باشد. چنین نظامی جایگزین مقررات قانونی پراکنده فعلی خواهد شد.

• وزیر دادگستری مسئولیت کلیه مسائل مربوط به روابط قوه قضائیه با قوه مجریه و قوه مقننه را بر عهده دارد (از اصل یکصد و ششم ق.ا.ج.ا.ا.)، و از آنجائی که موفقیت قوه قضائیه، از جمله دادگستری، به چند و چون همکاری میان قوا بستگی دارد، وزیر دادگستری دارای مسئولیت برجسته‌ای در این موضوع می‌باشد. به علاوه، رئیس قوه قضائیه می‌تواند اختیارات تام مالی و اداری و نیز اختیارات استخدامی غیر قضات را به وزیر دادگستری تفویض کند (از اصل یکصد و شصتم ق.ا.ج.ا.ا.).

امکان تفویض اختیار، به شرح بالا، قابل بحث به نظر می‌رسد. تفویض اختیار، واگذاری استثنائی و موقت بخشی از اختیارات غیراصولی، از سوی مقام مافوق به مقام زیردست، برای حسن اجرای قوانین است. واگذاری اختیارات تام مالی و اداری و نیز اختیارات استخدامی غیرقضات، از چند جهت با تعریف ارائه شده مغایر است.

• دیوان عالی کشور، «به منظور نظارت بر اجرای صحیح قوانین در محاکم و ایجاد وحدت رویه قضائی و ...» (از اصل یکصد و شصت و یکم ق.ا.ج.ا.ا.) تشکیل شده است.

با این وجود، باید نظام جامع نظارتی «فوق فعال» طراحی و مقرر گردد. نظام فوق فعال با تدابیر، طرح‌ها و اقدامات پیشگیرانه، به صفر رساندن اجرای ناصحیح قوانین در محاکم را هدف خود قرار می‌دهد؛ و برای مسائلی که ناگزیر از تحولات محیطی، به ویژه، تحولات بین‌المللی، حادث می‌شوند نیز پیشاپیش راه‌حل می‌اندیشد.

در مقابل نظارت فوق فعال، نظارت «انفعالی» قرار دارد که منتظر طرح مسأله می‌ماند تا راه‌حل آن را ارائه دهد. چنین نظارتی، همیشه از مسائل و مشکلات عقب است. بین نظارت «فوق فعال»، و نظارت «انفعالی» نظارت «فعال» قرار دارد. حتی در این نوع نظارت، باید انواع و اقسام اشتباهات قضائی، دست کم آنان که در مرحله تجدید نظر معلوم می‌گردند، تشخیص داده شوند و به واحد آموزش قوه قضائیه برای منظور نمودن در محتوای برنامه‌های آموزش منعکس گردند.

• سازمان بازرسی کل کشور، بر اساس حق نظارت قوه قضائیه بر حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین در دستگاه‌های اداری، زیر نظر رئیس قوه قضائیه تشکیل [گردیده است] (بنا بر اصل یکصد و هفتاد و چهارم ق.ا.ج.ا.ا. و ماده ۱ قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور اصلاح شده در ۱۳۷۵).

این سازمان، آن‌گاه که باعث حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین در دستگاه‌های اداری می‌گردد، بر جریان کار دادگستری تأثیر غیرمستقیم می‌نهد؛ زیرا باعث بهداشت

حقوقی اداری می‌شود. هم‌چنین با نظارت بر حسن جریان امور و اجراء صحیح قوانین در [بخش‌های] اداری قوه قضائیه، به ویژه، [بخش] اداری دادگستری، بر حسب قاعده، باعث توسعه و استحکام قانون‌مندی و بهره‌وری بیشتر آن می‌گردد؛ که این را می‌توان تأثیر مستقیم دانست.

قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور (ماده ۱۰)، مقرر می‌دارد وزیر یا مسئول دستگاه مربوط موظف است از تاریخ دریافت گزارش هیأت بازرسی حداکثر ظرف ده روز عملیات اجرائی را جهت انجام پیشنهادهای مندرج در گزارش مزبور شروع و مفاد جریان کار را مرتباً به اطلاع سازمان برساند. سازمان موظف است تا حصول نتیجه نهائی جریان امر را پیگیری نماید. بنابراین، می‌توان گفت که در این خصوص، نوعی ساز و کار بازخور مقرر شده است.

تأثیرهای مستقیم دیگر این است که: در صورتی که گزارش بازرسی حاکی از سوء جریان مالی یا اداری باشد رئیس سازمان یک نسخه از آن را با دلایل و مدارک برای تعقیب و مجازات مرتکب مستقیماً به مرجع قضائی صالح و ... منعکس و تا حصول نتیجه نهائی پیگیری خواهد کرد. در تمام موارد فوق‌الذکر رئیس سازمان تصویر گزارش بازرسی را جهت استحضار و پیگیری برای رئیس قوه قضائیه ارسال خواهد نمود (ماده ۲:د). هم‌چنین گزارش‌های سازمان در مراجع قضائی و ... خارج از نوبت رسیدگی شده و آرای صادره مراجع قضائی با درخواست سازمان بازرسی کل کشور و موافقت دادستان کل کشور و ... ظرف مدت ۲۰ روز پس از ابلاغ قابل تجدیدنظر بوده و این رسیدگی نیز خارج از نوبت خواهد بود (ماده ۶ قانون تشکیل س.ب.ک.ک. اصلاح شده در ۱۳۷۵).

هر گاه بازرسی که دارای پایه قضائی است ضمن بازرسی در حدود مقررات قانونی به حکمی برخورد نماید که آن را خلاف بین شرع یا قانون تشخیص دهد گزارش مستدل آن را از طریق رئیس سازمان برای اطلاع دادستان کل کشور تهیه و ارسال می‌دارد... (تبصره همان ماده). این تأثیرهای مستقیم سازمان بازرسی کل کشور بر جریان کار دادگستری مثبت ارزیابی می‌گردد.

• سازمان ثبت اسناد و املاک کشور دارای تأثیر مستقیم قابل توجهی در بهداشت حقوقی جامعه، یعنی در تسجیل حقوق و تکالیف و پیش‌گیری از وقوع اختلاف، و به همین نسبت، پیشگیری از وقوع بعضی جرائم است.

این تأثیر، مثبت ارزیابی می‌گردد؛ با این وجود، پیشنهاد می‌گردد که سیستمی برای گردآوری و تجزیه و تحلیل اطلاعات مربوط به پرونده‌هایی که به علت نقص یا اشکال در عملکرد سازمان گفته شده و دفاتر اسناد رسمی و دفاتر رسمی ازدواج و طلاق، در دادگستری مطرح می‌گردد، و انعکاس به سازمان یاد شده، برای اصلاح روند امور، طراحی و مستقر گردد.

• بخشی از وظایف سازمان پزشکی قانون کشور اظهارنظر در امور پزشکی قانونی به دستور مراجع ذیصلاح قضائی و پاسخ به استعلامات ادارات و سازمان‌های وابسته به قوه قضائیه می‌باشد (از ماده ۱ قانون تشکیل س.پ.ق.ک. - مصوب ۱۳۷۲ م.ش.ا.). بنابراین، چند و چون و سرعت اظهارنظر بر عملکرد دادگستری تأثیر مستقیم دارد. سیستم جامع که تأثیر این اظهار نظرها و پاسخ‌ها را در کشف حقیقت و تحقق عدالت، به صورت تحلیلی، به سازمان مورد بحث بازتاباند ضروری است. این بازخور، ضمن توسعه علمی و فناورانه پزشکی قانونی، باعث ارتقاء اثر بخشی این سازمان در تحقق عدالت می‌گردد.

• از جمله وظایف سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور اداره کلیه امور مربوط به زندان‌ها، بازداشتگاه‌ها و مراکز اقدامات تأمینی و تربیتی کشور و پیشنهاد آزادی مشروط به مقامات قضائی مربوط است (از ماده ۱ قانون تبدیل شورای سرپرستی زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور به سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور - مصوب ۱۳۶۴/۱۱/۶ م.ش.ا.).

برای این که قاضی، از تأثیر «قرار بازداشت موقت» بر «متهم» و یا نتیجه «حکم» زندان، به طور مستمر و به صورت جامع و تحلیلی مطلع باشد، سیستم جامع بازخور مورد نیاز است.

• دانشکده علوم قضائی و خدمات اداری دادگستری زیر نظر قوه قضائیه و مطابق مقررات و ضوابط نظام آموزش عالی و دانشگاهی کشور اداره می‌شود (ماده ۶ آئین نامه اجرایی دانشکده علوم قضائی و خدمات اداری دادگستری موضوع ماده ۳۶ قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری).

برای این که این دانشکده بتواند نقش بایسته خود را در تأمین نیازهای آموزشی و پژوهشی قوه قضائیه، به ویژه دادگستری، ایفاء نماید، باید سیستم جامع نیاز سنجی مستمر آموزشی و پژوهشی و سنجش و ارزیابی مستمر آموزش‌ها و پژوهش‌های به عمل آمده طراحی و مستقر گردد. واضح است که نتایج سنجش و ارزیابی گفته شده، به صورت «بازخور» به دانشکده بازخواهد گشت.

• کلیه واحدهای ستادی و اداری قوه قضائیه نیز، تا آنجا که به امور ستادی «دادگستری» های کشور در قوه قضائیه مربوط می شود، باید شاخص اصلی و اساسی موفقیت خود را ارتقاء اثربخشی دادگستری (توسعه عدالت قضائی در جامعه) قرار دهند. خلاصه سنجش ساختار تأثیر مستقیم مقرر سایر واحدهای سازمانی قوه قضائیه در تحقق اهداف ساختار مورد پژوهش، در نگاره شماره (۱) منعکس است.

نگاره ۱. خلاصه سنجش ساختار تأثیر مستقیم مقرر سایر واحدهای سازمانی قوه قضائیه

در تحقق اهداف دادگستری ج.ا.ا. در [بخش] دادگاه عمومی

ردیف	عنوان سازمانی	ساختار تأثیر مستقیم مقرر	نقص/ضعف/اشکال	پیشنهاد	توضیحات
۱	دیوان عالی کشور	- نظارت بر اجرای صحیح قوانین در محاکم و ایجاد وحدت رویه قضائی و ...	نبود نظام جامع نظارتی «فوق فعال»	طراحی و استقرار نظام گفته شده	
۲	سازمان بازرسی کل کشور	- حسن جریان امور و اجراء صحیح قوانین در امور اداری دادگستری - گزارش تشخیص خلاف بین شرع یا قانون بودن حکم دادستان کل کشور	-	-	- در این مورد سازوکار بازخور مقرر شده است. - در این مورد سازوکار بازخور مقرر شده است.
۳	سازمان پزشکی قانونی کشور	- اظهار نظر در امور پزشکی قانونی و پاسخ به استعلامات	نبود سیستمی جامع برای بازتاباندن تأثیر اظهارنظرها و پاسخها در کشف حقیقت و تحقق عدالت	طراحی و استقرار نظام گفته شده	
۴	سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور	- اداره کلیه امور مربوط به زندانها، بازداشتگاهها و مراکز اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، - پیشنهاد آزادی مشروط به مقامات قضائی مربوط	نبود سیستم جامع بازخور برای اطلاع از قاضی از تأثیر قرار بازداشت موقت بر متهم و یا نتیجه حکم زندان	طراحی و استقرار نظام گفته شده	
۵	دانشکده علوم قضائی و خدمات اداری دادگستری	- تأمین نیازهای آموزشی و پژوهشی و سنجش و ارزیابی مستمر آموزشها و پژوهشهای به عمل آمده	نبود سیستم جامع نیازسنجی مستمر	طراحی و استقرار نظام گفته شده	
۶	کلیه واحدهای ستادی و اداری	مدیریت و امور اداری	نبود ساختار توجه کافی به شاخص اصلی اثربخشی دادگستری (توسعه عدالت قضائی در جامعه)	طراحی، تبیین و استقرار شاخص گفته شده	

وضعیت منعکس شده در این نگاره، نشانگر این است که سازمان‌ها و واحدهای سازمانی قوه قضائیه از نظر ساختار سازمانی خیلی از هم گسیخته‌اند. به عبارت دیگر انسجام ساختار سازمانی بسیار پایین است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در این قسمت، ابتدا نتیجه‌های حاصل از تجزیه و تحلیل اطلاعات، با هم مرتبط گشته، انتظام می‌یابند و نتایج کلی به دست می‌دهند؛ پس از آن، پیشنهادهای مرتبط با نتیجه‌های حاصل از پژوهش نظام می‌یابند و در چارچوب‌هایی کلی‌تر ارائه می‌گردند.

۱. **تنظیم نتیجه‌های حاصل از پژوهش قوانین:** ابتداء، نتیجه‌های مرتبط با چارچوب کلی قانونی ساختار سازمانی کل قوه قضائیه که، سیستم فراگیر «دادگستری» است، و پس از آن، نتیجه‌های مرتبط با چارچوب قانونی ساختار سازمانی «دادگستری» جمع‌بندی، تنظیم و ارائه می‌گردند.

۱-۱- تنظیم نتیجه‌های مرتبط با چارچوب کلی قانونی ساختار سازمانی کل قوه قضائیه (سیستم فراگیر «دادگستری»): اهمیت دادگاه‌ها به آن درجه دانسته شده است که، به موجب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اعمال قوه قضائیه به وسیله دادگاه‌های دادگستری است؛ و مطابق همان قانون، تشکیل دادگاه‌ها، و تعیین صلاحیت آن‌ها، منوط به حکم قانون است. قانون یاد شده، علاوه بر مراجع قضائی اختصاصی، ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کیان و بقای خانواده را نیز حکم کرده است.

قضات دادگاه‌ها مکلفند از اجرای تصویب‌نامه‌ها و آئین‌نامه‌های دولتی که مخالف با قوانین و مقررات اسلامی یا خارج از حدود اختیارات قوه مجریه است، خودداری کنند. از نظر طراحی ساختار سازمانی دادگستری، این اصل، واجد اهمیت و حساسیت خاص خود است.

مبحث دیگر، ضرورت طراحی ساختار مناسب برای اجراء مسئولیت مدنی قوه قضائیه است.

به موجب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در همه دادگاه‌ها، طرفین دعوی حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانائی انتخاب وکیل را نداشته باشند، باید

برای آنها، امکانات تعیین و کیل فراهم گردد. تشکیلات دادگستری باید به گونه‌ای طراحی گردد که پاسخگوی این «باید» نیز باشد.

عنوان مراجع اختصاصی قوه قضائیه، شامل است بر: دادگاه‌های انقلاب، دیوان عدالت اداری، سازمان قضائی نیروهای مسلح، و مراجع انتظامی قضات. عنوان سازمان وابسته دربرگیرنده سازمان‌هایی دانسته می‌شود که دارای شخصیت حقوقی و ارکان خاص خود هستند. عنوان سازمان‌های وابسته قوه قضائیه شامل است بر سازمان قضائی نیروهای مسلح، سازمان بازرسی کل کشور، سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، روزنامه رسمی، سازمان پزشکی قانونی کشور، سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، و دانشکده علوم قضائی و خدمات اداری دادگستری.

دستگاه‌های اجرائی کشور، نوعاً (به جز در موارد استثنائی)، در بخش اداری خود، مشمول قوانین عمومی اداری کشور هستند. اهم این قوانین عبارتند از: قانون‌های استخدام کشوری، محاسبات عمومی کشور، برنامه و بودجه کشور و قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۹ - ۱۳۸۳)، که برحسب قاعده، تحت تأثیر سیاست‌های کلی نظام است.

قانون اخیرالذکر فصل اول خود را به «اصلاح ساختار اداری و مدیریت» اختصاص داده است؛ که اولین ماده آن تشکیل شورای عالی اداری را «به منظور تصحیح، بهسازی و اصلاح نظام اداری در ابعاد» تعیین شده مقرر کرده است؛ و با توجه به دو ماده بعد، از جمله موارد «منظور» قانون یاد شده را می‌توان کاهش تصدی‌ها و تقویت اعمال حاکمیت و نظارت دولت و فراهم نمودن زمینه توسعه مشارکت مؤثر مردم در اداره امور، بهینه‌سازی و اصلاح ترکیب نیروی انسانی دستگاه‌های اجرائی، توزیع مناسب نیروی انسانی در مناطق مختلف کشور، و بهبود ارائه خدمات دولتی برشمرد.

قانون مورد بررسی فصل ۲۴ خود را به «امور قضائی» اختصاص داده است. اولین ماده این فصل (ماده ۱۸۷)، اجازه افزایش کاری به کارهای قوه قضائیه را داده است: اقدام نسبت به تأیید صلاحیت فارغ‌التحصیلان رشته حقوق جهت صدور مجوز تأسیس مؤسسات مشاوره حقوقی برای آنان.

به موجب ماده بعد، قوه قضائیه موظف شده است به منظور ارتقای کیفی و افزایش کارآیی محاکم نسبت به تخصصی کردن آنها، بر حسب حجم عملیات، نیازهای منطقه‌ای و تخصص و تجارب قضات اقدام کند.

ماده بعد، به منظور کاهش مراجعات مردم به محاکم قضائی راهی را تعیین کرده است: رفع اختلافات محلی و نیز حل و فصل اموری که ماهیت قضائی ندارد و یا ماهیت قضائی آن از پیچیدگی کمتری برخوردار است به شوراهای حل اختلاف واگذار می‌گردد. علاوه بر قوانین عمومی اداری، قانون‌هایی دیگر نیز وجود دارند که دارای قواعد عمومی اداری با تأثیر تشکیلاتی بر سازمان‌های عمومی می‌باشند. تشکیلات ناشی از قوانین دارای قواعد موجد وظیفه و اختیار برای مقام‌ها و یا سازمان‌های قوه قضائیه، نیز باید مورد توجه باشد.

۱-۲. باز تنظیم نتیجه‌های سنجش (ارزیابی) چارچوب قانونی ساختار سازمانی «دادگستری»: تشکیلات مقرر حوزه قضایی، در خوش‌بینانه‌ترین حالت خود، تنها قادر به اجرای عدالت قضایی در موردهایی است که نزد آن مطرح می‌گردد. نقص اساسی دیگر تشکیلات فعلی حوزه قضایی، نبود سیستم سنجش علمی و جامع ابعاد تأثیر آراء قضایی بر اعضاء پرونده قضایی و در جامعه است. نقص اساسی دیگر این که، عمده روابط مقرر بین واحدها، تنها برای رسیدگی به پرونده‌های مطرح شده و اجراء آراء است؛ و تشکیلات یاد شده فاقد مجموعه تعامل‌های تضمین‌کننده بازبودن سیستم و پویایی و بهره‌وری دادگستری است.

بخشی از اهداف و وظائف سیستم اصلی در ساختار سازمانی مصوب دادگاه‌های عمومی (حقوقی - جزائی) انعکاس نیافته است. نویسنده این سطرها واژه گسیختگی اهداف را برای تبیین این وضعیت مناسب می‌داند و آن را در مقابل انسجام و سلسله مراتب اهداف قرار می‌دهد. تأثیر رفتاری این نقص ساختاری، ممکن است به صورت گسترش تمایل رفتاری رفع تکلیف و آمارگرایی جلوه‌گر شود و به تضعیف نتیجه‌گرایی بینجامد.

اکثر سازمان‌ها و همه مقام‌های ذکر شده، رسماً، برای تحقق اهداف ساختار مورد پژوهش، دارای نقش به نظر می‌رسند. در این میان، [نقش اول] برای تحقق اهداف کلی قوه قضائیه، از جمله، «دادگستری»، با «رئیس قوه قضائیه» است. به موجب قانون اساسی ج.ا.ا، از جمله وظایف ایشان، «ایجاد تشکیلات لازم در دادگستری» و «استخدام قضات عادل و شایسته» می‌باشد.

وظیفه «ایجاد تشکیلات لازم در دادگستری»، از نقطه نظر پژوهش حاضر، بیش از سایر وظیفه‌ها مورد توجه است. با این وجود، بین اختیارات این مقام که مورد اقتضاء وظیفه‌های گفته شده است، و اختیار رئیس جمهور که مورد اقتضاء «... مسئولیت امور برنامه و بودجه و امور اداری و استخدامی کشور... مستقیماً...» است، تا حدودی تعارض به نظر می‌رسد.

نتیجه بحث، این که، تحقق نظام مند اختیارات گفته شده رئیس قوه قضائیه نیازمند نظام جامع سازماندهی و استخدام (به عنوان یک نظام فرعی، از کل نظام قوه قضائیه، و در عین حال، یک نظام فرعی از کل نظام سازماندهی و استخدام جمهوری اسلامی ایران) می باشد. نقش و جایگاه وزیر دادگستری نیز مورد توجه است. امکان قانونی تفویض اختیارات تام مالی و اداری و نیز اختیارات استخدامی غیرقضات به وزیر دادگستری از چند جهت با تعریف ارائه شده از تفویض اختیار مغایر است.

در ادامه، نظارت دیوان عالی کشور بر اجرای صحیح قوانین در محاکم مطرح گشته است؛ و به جای روش فعلی نظارت، طراحی نظام جامع نظارتی «فوق فعال» مطرح و پیشنهاد شده است و تمایز این نظام با نظارت «فعال» و نظارت «انفعالی» در همان جا بیان شده است.

در ادامه، ساختار تأثیر مستقیم مقرر سازمان های بازرسی کل کشور، پزشکی قانونی کشور، زندان ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مطرح شده است. در مورد ساختار تأثیر مستقیم مقرر سازمان بازرسی کل کشور، ساز و کار بازخور نیز مقرر شده است؛ ولی در مورد دو سازمان اخیرالذکر، به ترتیب، این نقائص مطرح شده است: نبود سیستمی جامع برای بازتاباندن تأثیر اظهار نظرها و پاسخ ها در کشف حقیقت و تحقق عدالت، و نبود سیستم جامع بازخور برای اطلاع قاضی از تأثیر قرار بازداشت موقت بر متهم و یا نتیجه حکم زندان. طراحی و استقرار نظام های گفته شده پیشنهاد شده است.

در ادامه، و در مورد ساختار تأثیر مستقیم مقرر دانشکده علوم قضائی و خدمات اداری دادگستری، نبود سیستم جامع نیازسنجی مستمر آموزشی و پژوهشی و سنجش و ارزیابی مستمر آموزش ها و پژوهش های به عمل آمده، مطرح گشته است و طراحی و استقرار نظام گفته شده پیشنهاد شده است. ساختار تأثیر مستقیم مقرر، نقص / ضعف / اشکال، پیشنهاد در مورد دیوان عالی کشور، سازمان های گفته شده در بالا، دانشکده مذکور، و کلیه واحدهای ستادی و اداری، در جدولی انعکاس یافته است.

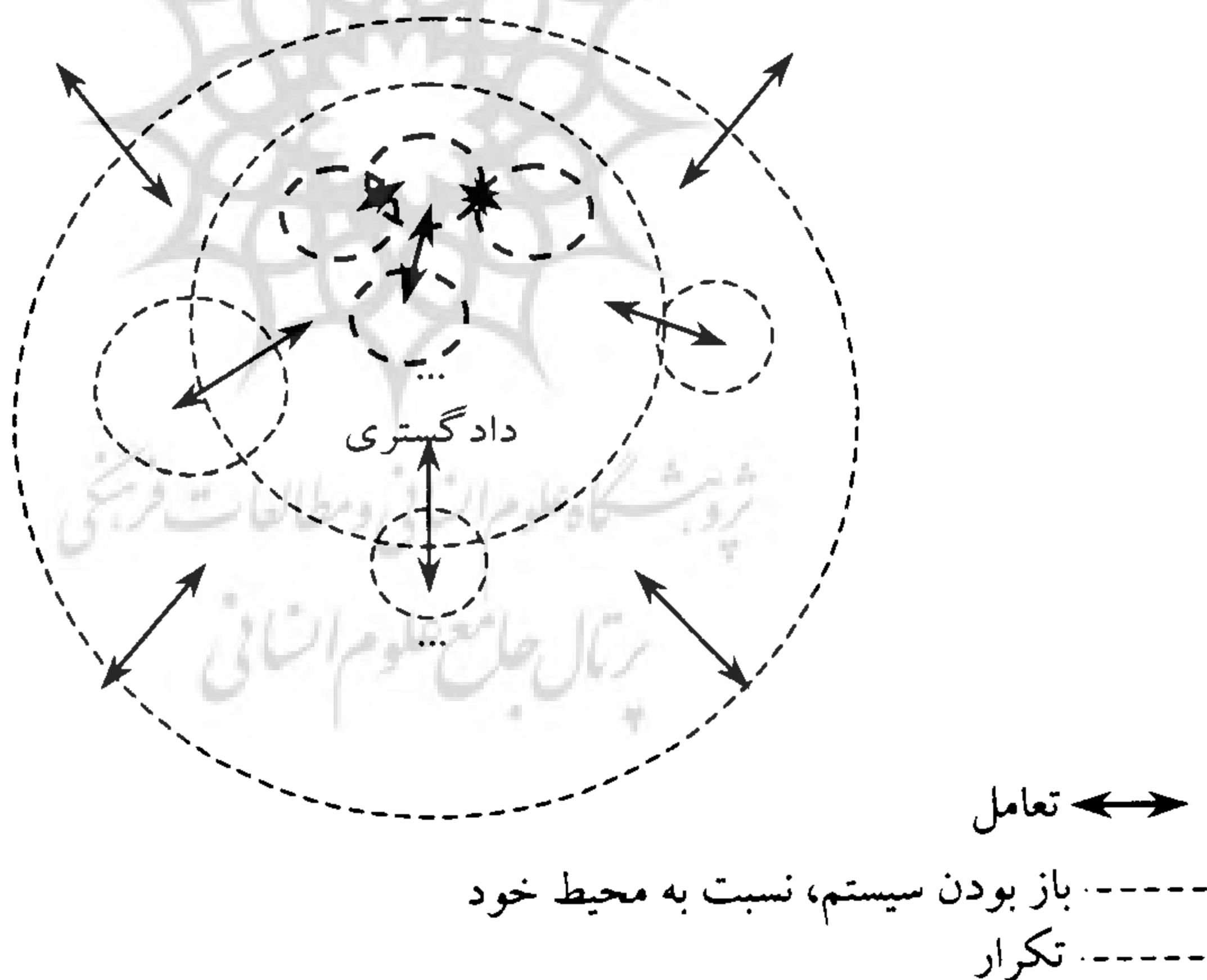
۲. تشخیص مدل مناسب و مقتضیات تحقق آن

در اینجا، ابتدا مدل کلی مناسب تشخیص داده خواهد شد. این مدل بیانگر وضعیتی مطلوب است. ورود از وضع موجود به وضع مطلوب، نیازمند تحقق شرایطی است. طراحی رهبری و مدیریت تحول، نیازمند عزمی و طراحی خاص خود است. با این وجود، از آنجائی که

نتایج پژوهش حاضر، راهنمای قابل اتکائی برای تشخیص مقتضیات تحقق مدل مطلوب به نظر می‌رسد، تلاش خواهد شد که این مقتضیات مشخص شود.

۱-۲- تشخیص مدل مناسب: مدل مناسب آن است که ضمن آن که انعکاس جامع نگرش و چارچوب نظری برگزیده است، مقتضیات موقعیت را بازتاباند. با این وجود، با توجه به محدوده مقاله حاضر، در این جا، تنها به آن بخش از مدل که انعکاس نگرش و چارچوب نظری است اکتفا می‌شود.

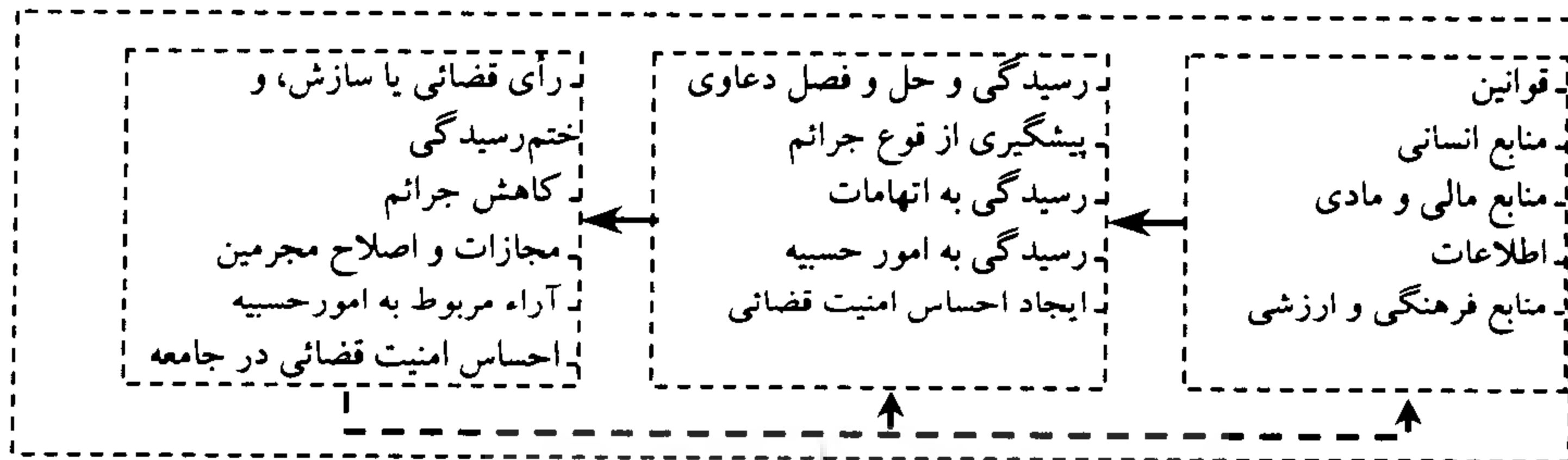
انعکاس نگرش و چارچوب نظری: نگرش نظری این پژوهش، نگرش نظام‌گرا و چارچوب (مدل) نظری آن «سیستم» است. بنابراین «دادگستری» به عنوان یک «سیستم» در سیستم فراگیر خود («قوه قضائیه») و شامل سیستم‌های فرعی خود در نظر گرفته خواهد شد. نمودار زیر، نمایانگر چنین وضعیتی است.



نمودار شماره ۵. تجسم دادگستری به عنوان یک سیستم

این سیستم باید ورودی‌های مناسب، اعم از قوانین، منابع انسانی، منابع مالی و مادی، اطلاعات، منابع فرهنگی و ارزشی هدایت، انگیزش و نظارت بر خود داشته باشد و دارای ساختار مناسب عملکرد (رسیدگی و حل و فصل دعاوی، از جمله تکلیف به سازش و سعی در انجام آن - در امور مدنی (ماده ۱۸۸ ق.آ.د.د.ع.و.ا.م.))، پیشگیری از وقوع جرائم، رسیدگی به اتهامات (اتهام به ارتکاب جرم)، رسیدگی به امور حسبه و در نهایت، ایجاد احساس امنیت قضائی) باشد؛ و به طور مستمر، اثربخشی آراء و اقدامات خود را، در جامعه،

مورد سنجش و ارزیابی قرار دهد و اقتضائات محیطی را بسنجد (با طراحی و استقرار سازوکار بازخور). به عبارت دیگر، سیستم مورد طراحی باید بتواند با محیط تعامل (با دید کاربردی) داشته باشد. نمودار زیر، نمایانگر چنین وضعیتی است.



نمودار عر دادگستری، به عنوان سیستم باز، بده - بستان با محیط

اهداف این سیستم باید به طور جامع و صحیح، و منطبق بر قانون اساسی طراحی و تبیین گردد. سیستم مجموعه‌ای هدفمند است؛ بنابراین، سیستم‌های فرعی آن باید دارای اهداف متناسب با نقش و جایگاه خود باشند؛ به گونه‌ای که، در کل سیستم، سلسله مراتب و انسجام اهداف برقرار باشد.

بین سیستم‌های فرعی باید ساختار تعاملی طراحی و مستقر شده باشد. تعامل سیستم‌های فرعی باید در راستای تحقق اهداف اصلی (قوه قضائیه) باشد. این تسلسل و تعامل هم در درون سیستم دادگستری، یعنی درون سیستم‌های فرعی سیستم‌های فرعی ... تجزیه می‌شود؛ و هم به سوی سیستم فراگیر و محیط سیستم یاد شده، یعنی سیستم‌های اصلی سیستم‌های اصلی ... تحلیل می‌گردد. بیان کاربردی این معنا آن است که مجموعه اهداف دادگستری باید بازتاب اهداف قوه قضائیه، که خود بازتابی از اهداف نظام حاکمیت است، باشد؛ و در اهداف واحدهای فرعی خود بازتابد ... نمودار زیر، نمایانگر چنین وضعیتی است.



نمودار ۷. سلسله‌مراتب اهداف و تعامل آن‌ها

سیستم دادگستری، با تعدادی (از دیدگاه کاربردی) از سیستم‌های دیگر محیط، در تعامل مستقیم است. آن تعامل‌ها مورد توجه خواهد بود که بررسی سیستم و رهبری و اداره آن مقتضی مدنظر داشتن آن‌ها است. از این دیدگاه، و با بیانی کاربردی، دادگستری باید محیط (با تعریف کاربردی - مجموعه سیستم‌هایی که با آن در تعامل قابل توجه می‌باشند) خود را بشناسد و در راستای برقراری تعامل بایسته و شایسته بکوشد. این وضعیت را نیز نمودارهای شماره (۵ و ۶) نمایش می‌دهند.

تعامل کافی با محیط، به معنی باز بودن سیستم مورد نظر خواهد بود. باید متوجه این خطر بود که اگر سیستم قضائی، سیستمی بسته باشد رو به نابودی می‌رود؛ و حاکمان برای سرپا نگه داشتن پیکره بی‌روح آن، ناگزیر به اختصاص منابع مالی سرسام‌آوری از خزانه کشور خواهند شد. حیات طبیعی سیستم، مقتضی آن است که بین ورودی‌ها و خروجی‌های سیستم - آن‌چه جامعه به سیستم می‌دهد، و آن‌چه از سیستم می‌ستاند - توازن شایسته همان سیستم برقرار باشد؛ و خروجی‌های سیستم، ورودی‌های جدید را تمهید نمایند؛ و

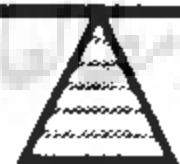
سیستم، با ورودی‌های جدید قادر به تجدید چرخه حیات باشد - سیرت تناوبی. این حالت را نیز می‌توان در نمودار شماره (۶) تجسم نمود.

سیستم دادگستری، و به طور کلی سیستم قوه قضائیه، باید طوری طراحی شود و ساختار یابد که بتواند بر تمایل - تا حدی طبیعی - واحدهای فرعی خود، به خود مختاری و خودمختوری - که سیری است در جهت عکس انسجام سازمانی و موجب هرج و مرج - غالب آید. سیستم باز دارای وجه تمایز انتروپی منفی است - می‌تواند خود را تعمیر و بازسازی کند، از ساختار خود محافظت نماید، از نابودی اجتناب ورزد، و حتی رشد کند. سیستم دادگستری باید به گونه‌ای طراحی گردد و ساختار یابد که حالت استوار داشته باشد؛ و در مسیر رشد (نه الزاماً کمی) و توسعه باشد.

شاید برای سیستم مورد نظر؛ حساس‌ترین خاصیت این است که بین فعالیت‌های حافظ وضع موجود و فعالیت‌های تطبیقی تعادل داشته باشد. این حساسیت از آنجایی می‌شود که دادگستری، به اقتضای ماهیت نقش خود، در جامعه، حافظ قواعد حقوقی، به ویژه، قوانین است؛ و از این زاویه دید، حافظ وضع موجود می‌باشد. با این وجود، این سیستم نیز باید تعادل گفته شده را دارا باشد.

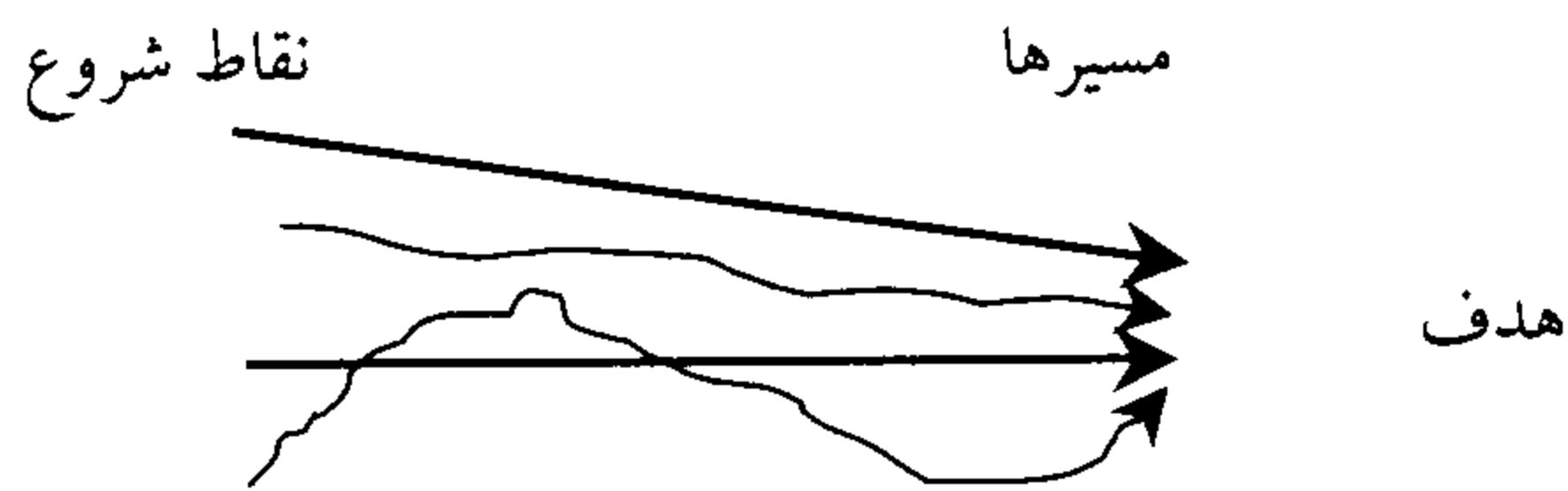
فعالیت‌های تطبیقی

فعالیت‌های حافظ وضع موجود



نمودار ۸. تعادل بین فعالیت‌های حافظ وضع موجود و فعالیت‌های تطبیقی

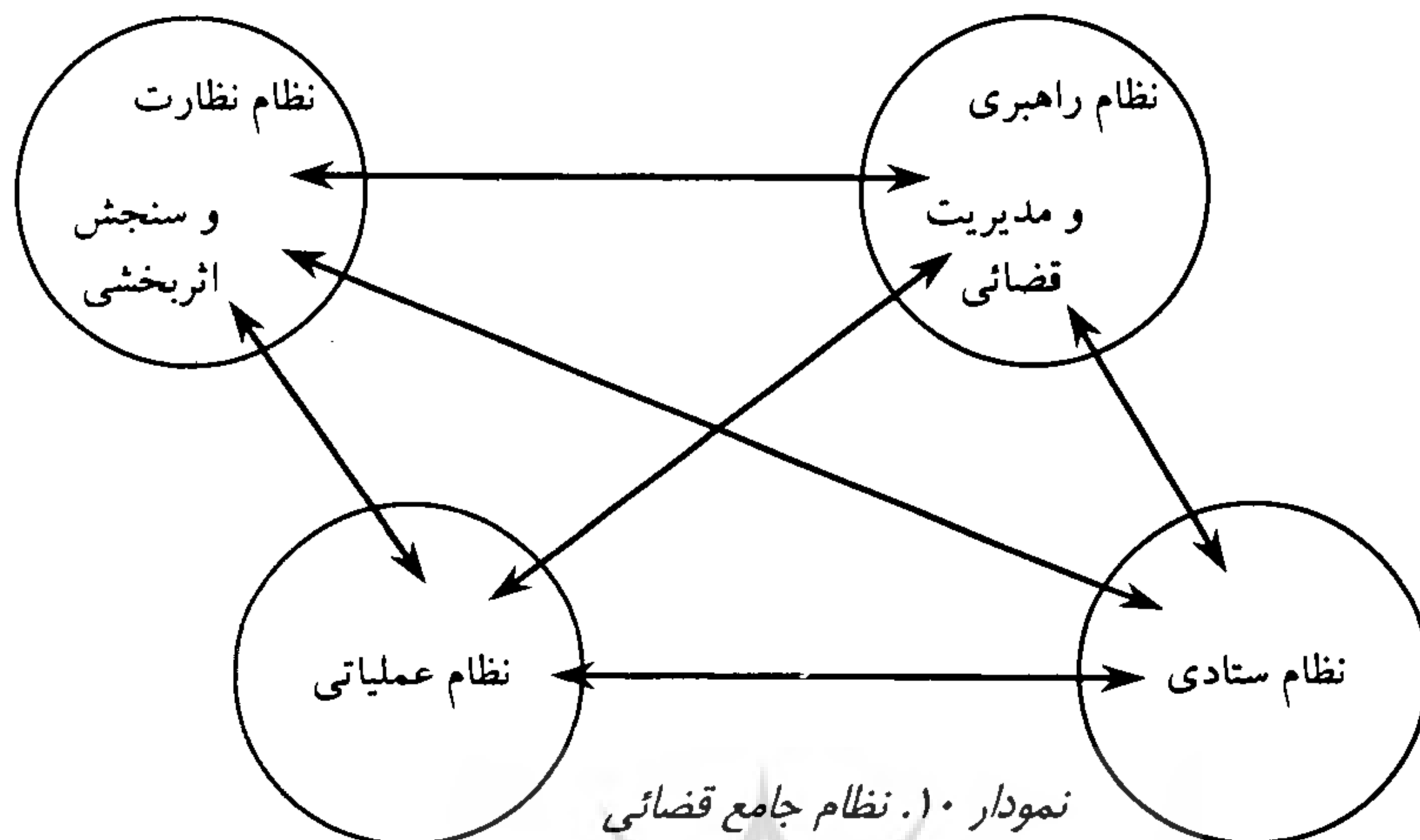
یکی دیگر از مشخصه‌های سیستم باز، هم‌چنان که پیش از این آمده است، خاصیت هم پایانی است. مطابق این خاصیت، سیستم می‌تواند، از نقطه‌های آغازین مغایر و از مسیرهای متنوع به همان حالت پایانی مورد نظر برسد.



نمودار ۹. هم‌پایانی

نمی‌توان از دادگستری انتظار داشت که مانند یک ماشین عمل کند و تنها به راه‌هایی که صد در صد از پیش تعیین شده‌اند، رود. سیستم باز، ناگزیر، باید بتواند مسیرهای متعدد و متنوعی را برای تحقق اهداف خود بی‌یابد. این به آن معناست که امکان انتخاب راه‌های تحقق اهداف (قواعد حقوقی شکلی) برای قاضی‌ها و مدیران دستگاه قضائی باید، تا حداکثر امکان‌پذیر، وجود داشته باشد. اصول حقوق اساسی کشور و قواعد بنیادین ساختار قانونی نظام دادرسی، به عنوان شاخص امکان‌پذیری پیشنهاد می‌گردند.

پیشنهاد نهائی: ضرورت طراحی نظام جامع قضائی، شامل نظام‌های راهبری و مدیریت قضائی، نظام اداری قضا، نظام استخدامی قضا، نظام مالی دستگاه قضائی، نظام محاسباتی دستگاه قضائی، نظام پشتیبانی دستگاه قضائی، نظام عملیاتی قضا - شامل نظام‌های نظارت قضائی، تعقیب و پی‌گیری قضائی، رسیدگی قضائی، اجراء - و نظام نظارت و سنجش اثربخشی.



- باید بین اهداف این نظام‌های فرعی انسجام و سلسله مراتب برقرار باشد و بین همه این نظام‌ها، در جهت تحقق اهداف قوه قضائیه و تضمین پویایی و اثربخشی دادگستری، تعامل و تعاون موجود باشد. طراحی و استقرار سیستم سنجش علمی و جامع ابعاد تأثیر چگونگی و مدت رسیدگی و آراء قضائی بر اعضاء پرونده‌های قضائی و در جامعه ضروری است.

- ضرورت تبیین تمایز راهبری و مدیریت قضائی، از کار قضا، و اجتناب از این که مدیر قضائی، فعالیت روزمره و مستمر رسیدگی قضائی را هم بر عهده داشته باشد.

- ضرورت طراحی و استقرار نظام نظارتی فوق فعال، برای دیوان عالی کشور که، از جمله، وظیفه نظارت بر اجراء صحیح قوانین در محاکم را بر عهده دارد. منظور از نظام نظارتی فوق فعال، پیش از این، بیان شده است.

- برای تمام واحدهای ستادی و اداری تا آنجا که به نقش آنها در دادگستری مربوط می‌شود، شاخص اصلی اثربخشی دادگستری (توسعه عدالت قضائی در جامعه)، طراحی، تبیین و مستقر گردد.

۲-۲- تشخیص مقتضیات نظام مطلوب: اساس ساختار نظام مطلوب، به عنوان یک نظام جامع، قانونی جامع خواهد بود که می‌توان آن را قانون جامع نظام قضائی نامید. این قانون شامل مبنای ساختاری کلیه نظام‌های فرعی این نظام جامع - از جمله سازمان قضائی و آئین دادرسی، سیستم‌ها و روش‌ها - و تعامل آنها خواهد بود. این قانون، جایگزین قوانین متعدد و پراکنده فعلی خواهد شد.

یکی از مبانی رفتاری رهبری سازمان و مدیریت قوه قضائیه و دادگستری و اعضاء قضائی و اداری آن، در سیستم جامع مورد پیشنهاد، نگرش سیستمی (نگرش نظام گرا) است.

نظام تعلیم و تربیت و نظام آموزش عالی و پژوهش در کشور، در تعاون با نظام قضائی، در راستای توسعه بهداشت حقوقی جامعه، و توسعه سازوکارهای طبیعی و غیررسمی نظارت و حل و فصل دعاوی و تنبیه قانون شکن، و در راستای رفع نیازهای آموزشی و پژوهشی نظام مطلوب قضائی خواهد بود. طراحی و برگزاری دوره‌های تحصیلات تکمیلی سازمان و مدیریت قضائی یکی از کمک‌هایی است که نظام آموزش عالی کشور می‌تواند، برای استقرار و توسعه نظام مطلوب قضائی بنماید.

تبدیل وضع موجود به وضع مطلوب نیازمند تهیه و اجراء طرح جامع رهبری و مدیریت تغییر است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

کریمیان، محمدوزین. سنجش تناسب ساختار سازمانی دادگستری جمهوری اسلامی ایران در بخش دادگاه‌های عمومی، با مقتضیات محیطی، و تشخیص مدل مناسب (پایان‌نامه تحصیلی دوره دکتری)، دانشگاه تهران، ۱۳۸۲ هـ. ش.

Boulding, Kenneth E. (1956). *General System Theory-The Skeleton of a Science, Management Science*.

Robbins, Stephen P. (1990); *Organization Theory: Structure, Design, and Applications*, 3rd ed.; Prentice-Hall International Editions.

قانون‌ها (به ترتیب استناد در متن مقاله):

- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران - مصوب ۱۳۵۸ (همه‌پرسی)، با «بازنگری» ۱۳۶۸ (همه‌پرسی).

- قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب - مصوب ۱۳۷۳ م.ش.ا.، با اصلاحات، مصوب ۱۳۸۱ م.ش.ا.

- قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی انقلاب (کتاب دوم - در امور کیفری) که طبق اصل ۸۵ ق.ا.ج.ا.ا.، برای مدت سه سال اجرای آزمایشی، در تاریخ ۱۳۷۸/۶/۲۸ به تصویب کمیسیون امور قضائی و حقوقی مجلس شورای اسلامی رسیده و به موجب قانون تمدید مهلت اجرای آزمایشی قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور کیفری)، مصوب ۱۳۸۲/۷/۲۳ مجلس شورای اسلامی، و از تاریخ تصویب این قانون، مهلت اجرای آزمایشی آن برای مدت دو سال دیگر تمدید شده است.

- قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (کتاب اول - در امور مدنی) - مصوب ۱۳۷۹/۱/۲۱ م.ش.ا.

- قانون استخدام کشوری ۱۳۴۵.

- قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور - مصوب ۱۳۶۰ م.ش.ا.، با اصلاحات مصوب ۱۳۷۵.

- قانون تشکیل سازمان پزشکی قانونی کشور - مصوب ۱۳۷۲ م.ش.ا.

- قانون تبدیل شورای سرپرستی زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور به سازمان

زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور - مصوب ۱۳۶۴ م.ش.ا.

- قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران
(۱۳۸۳-۱۳۷۹) - مصوب ۱۳۷۹ م.ش.ا.

آئین‌نامه

- آئین‌نامه اجرایی دانشکده علوم قضائی و خدمات اداری دادگستری موضوع ماده ۳۶
قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری.

